

وضعیت ید امین پس از ترک تقصیر

- میثم اکبری دهنو*
- محمد حسین یاری**
- هانی حاجیان***

چکیده

با ارتکاب تعدی یا تفریط امین، ید امانی وی به ید ضمانی تبدیل می شود و دیگر مجال بهره مندی از ثمرات ید امانی، برای وی وجود نخواهد داشت. به همین دلیل، تاهنگامی که امین، در حال تعدی یا تفریط در باره مال امانت است، مجازات مدنی او به وسیله نفی آثار امانی و حمل آثار ضمانتی، مشروع و موجه خواهد بود. اما آنچه باید در باره آن به مذاقه پرداخت، این است که اگر امین، از تقصیر خویش پشیمان شود و تعدی و تفریط سابق را ترک کند و دو باره به نگهداری مال امانتی مبادرت کند، می توان ضمن منتفی کردن مجازات مدنی وی، بازگشت ید امانی را برای وی متصور شد؟

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسؤول).

** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی.

دیدگاههای فقهایی که به این بحث ورود یافته اند، در یک تقسیم بندی مرسوم، در سه دیدگاه خلاصه می شود: جمعی بازگشت و جمعی دیگر بازنگشتن ید امانی را ترجیح داده اند. عده ای نیز با درپیش گرفتن راه میانه، در مواردی قائل به بازگشت ید امانی و در موارد دیگر قائل به بازنگشتن ید امانی به امین تارک تقصیر، شده اند.

در این مقاله، ضمن تحلیل نظرهای مطرح شده، تقسیم بندی بدیعی در این حوزه عرضه می گردد و همچنین رهیافتی مناسب به ویژه در باب بازگشت قهری ید امانی به امین تارک از تقصیر، ارائه می شود.

واژگان کلیدی: امین، امین مقصر، تعدی و تفریط، ید امانی، ید ضمانی، بازگشت ید امانی

مقدمه

جمهور فقها با تکیه بر روایات،^۱ معتقدند که مقتضای اولیه تصرف در مال دیگری یا

۱. مراد، حدیث پیامبر اکرم (ص) است: «علی الید ما اخذت حتی تؤذیه»: (محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۸۸؛ ابن ابی جمهور احسایی، عوالم اللثالی العزیزیه، ج ۱، ص ۲۲۴ و ج ۲، ص ۳۴۵؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۴۰۷؛ متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۵۷۱۳. این روایت در منابع فقهی شیعه به گونه مرسل نقل شده، ولی در کتب حدیثی اهل سنت، مستند است. برخی از فقهای امامیه با عنایت به ضعف سند، این روایت را معتبر نمی دانند: (موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة فی المعاملات، ج ۳، ص ۸۷). ولی بسیاری از فقهای امامیه مفاد حدیث را معتبر می دانند. محقق نراقی در این زمینه چنین می نگارد: حجیت روایت هر چند از راه سند ممکن نیست؛ زیرا روایت از رسول خدا (ص) مرسل نقل شده، لیکن شهرت آن میان فقها و رواج آن در کتاب های آنان و استدلال زیاد بدان، ضعف سند را جبران می کند و ما را از بحث سندی بی نیاز می گرداند (نراقی، مولی احمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۳۱۵). همچنین صاحب عناوین در این باره چنین می نویسد: «من جملة ما جعل فی الشرع للضمان الید و الاصل فی ذلك: الخبر النبوی المنجبر بالشهرة»: (مراغی، سید میر عبد الفتاح (میرفتاح)، العناوین الفقهیة، ج ۲، ص ۴۱۶).

استیلا بر آن ضامن بودن متصرف در مقابل مالک است. این قاعده که از آن با عنوان «ضمان علی الید» تعبیر می‌شود متصرف را از یک سو، به بازگرداندن عین مال و نیز جبران خسارت (البته در صورت تلف یا نقص مال)، مکلف می‌کند (حکم تکلیفی) و از سوی دیگر، وی را در برابر مالک ضامن قرار می‌دهد^۲ (حکم وضعی).

با استناد به روایات^۳ و آیات^۴ دیگری، استثنای مهمی به قاعده «ضمان ید» وارد آمده که با عنوان قاعده «استیمان» مطرح می‌شود. مفاد این قاعده به طور خلاصه مؤید این مطلب است که چنانچه شخصی با «ید امانی» بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن آن مال نخواهد بود. در تعریف ید امانی می‌توان گفت که هرگاه مالک (یا نماینده او)، مال خویش را به صورت امانت به دیگری تحویل داده باشد، ید گیرنده امانی محسوب می‌شود و از این رو (در صورت تعدی یا تفریط نکردن) ضامن خسارت وارد آمده به آن مال نخواهد بود.

این قاعده نیز با تمام پشتوانه خود، به وسیله قاعده «ضمان ناشی از تقصیر امین» محدود شده است. مفاد این قاعده بر این امر دلالت دارد که تعدی و تفریط

۲. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ج ۷، ص ۱۴۱.

۳. از مهم ترین این روایات می‌توان به این روایت از حضرت امیر علیه السلام اشاره کرد که فرمود: «لیس علی المؤمن ضمان»: (محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶؛ و همچنین روایت «لا غرم علی مستعیر عاریة إذا هلكت إذا کان مأمونا»: (کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۲۳، ح ۵)؛ و نیز روایت مشهور «لیس علی الامین الا الیمین»: (همان، ص ۲۸۴).

۴. گفتنی است که برخی از فقها برای توجیه مطلوب مبانی قاعده استیمان به آیه «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه/ ۹۱) تمسک کرده‌اند: (طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۴؛ موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ج ۲، ص ۱۲؛ حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۱۹؛ محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، ص ۹۱).

امین، دیگر مجالی برای تمسک وی به ید امانی اش باقی نمی‌گذارد تا خود را از خسارات وارد آمده به مال مالک تبرئه کند^۵ به بیان دیگر، تا زمانی که امین مرتکب تقصیر نشده ید او بر مال امانی به شمار می‌رود و نمی‌توان وی را ضامن خسارت وارد آمده دانست؛ اما به محض ارتکاب تقصیر از ناحیه وی، ید امانی جای خود را به ید ضمانی می‌دهد و در این حالت، وی ضامن خساراتی است که به هر شکلی به مال امانتی وارد می‌آید. از این امر به «انقلاب ید امین» یاد می‌شود.

با این مقدمه، پرسشی که مقاله حاضر را بر مدار آن تدوین کرده‌ایم، این گونه مطرح می‌کنیم که هرگاه امین به واسطه تقصیر خویش، موجبات تبدیل ید خود را از امانی به ضمانی فراهم آورده باشد، آیا ترك تقصیر وی به واسطه پشیمانی اش، خواهد توانست دوباره موجبات اعاده ید امانی (یا تبدیل ید از ضمانی به امانی) را برای وی فراهم آورد؟ پس از پشیمانی امین، «ید و تصرف» وی در این مقطع را چگونه باید ارزیابی کرد؟ به بیان دیگر، تقصیر امین موجب از میان رفتن ید امانی وی می‌شود یا معلق شدن آن به ترك تقصیر؟ بدیهی است که در حالت اول، بازگشتی برای ید امانی متصور نیست؛ لیکن در حالت دوم، رفع تقصیر، بازگشت ید امانی را ممکن می‌گرداند.^۶

می‌توان ثمرات بحث و همچنین یافتن رهیافت مناسب برای این ابهام را به شرح ذیل جویا شد:

در فرض تلف سماوی و خارج از اراده مال امانتی، بسته به «امانی» یا «ضمانی» بودن ید امین، مسئولیت وی در برابر مالک نیز متفاوت خواهد بود.

۵. شهید ثانی، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۱۰۱.

۶. مرحوم کاشف الغطاء، آن فقیه سترگ، در ابتدای احتجاجات خویش در پاسخ به این مسئله، این بحث را این گونه توصیف می‌کند «... المسألة جد مشکلة ...»: (نجفی، محمدحسین، کاشف الغطاء)، تحرير المجلة، ج ۲، ص ۳۴.

چنانچه ید امین را همچنان ضمانی بدانیم، با وجود تلف سماوی، مسئولیت به عهده امین است؛ اما اگر پشیمانی امین^۷ را موجب اعاده ید امانی به وی بدانیم، چنین مسئولیتی بر عهده وی نخواهد بود.

با ضمانی گشتن ید امین، وی باید اجرت المثل ایام استیلائی ضامنانه خویش بر مال امانتی را به مالک پردازد؛^۸ حال در صورتی که قائل به بازگشت صفت امانت به امین پشیمان از تقصیر باشیم، تنها اجرت المثل ایام تقصیر محاسبه خواهد شد و به طور متقابل در صورت قائل نشدن به این بازگشت، باید تا زمان رد مال امانتی (و یا به طور کلی، هر امری که به زوال وصف ضمانی از امین بینجامد)، اجرت المثل محاسبه شود.

از دیگر ثمرات مترقی این بحث، می توان به قبول یا رد سخن امین در باره تلف و نقص مال امانتی اشاره کرد؛ با این توضیح که چنانچه پشیمانی امین را برای زوال آثار ضمانی تقصیر پیشین او کافی بدانیم باید به حکم قاعده «لیس علی الامین الا الیمین» اظهار او در زمینه تلف و نقص مال، پذیرفته شود و این مالک است که باید قول خلاف امین را ثابت کند؛ اما چنانچه پشیمانی امین از تقصیر گذشته را برای اعاده ید امین به وی کافی ندانیم، در هر صورت ضامن خواهد بود. به بیان دیگر، قول او در زمینه تلف و یا نقص مال (هر چند به آفات سماوی) پذیرفتنی نخواهد بود.

سرانجام، توجه به اینکه بخش چشمگیری از عقود معین،^۹ دایر مدار احکام مترتب بر ید امانی است، اهمیت بحث به نحو مضاعف متجلی می گردد؛ بدین

۷. بدیهی است مراد از پشیمانی امین، برطرف کردن تعدی یا تفریط است.

۸. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۱۶، ص ۲۲۳ و ۲۸۶؛ حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۱۷، ص ۳۳۵؛ امام خمینی، سید روح الله، تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۵۹۳.

۹. نظیر ودیعه، عاریه، اجاره، مضاربه، مزارعه، مساقات، وکالت، رهن.

توضیح که در این دسته از عقود، به واسطه اذن مالک برای دیگری، احکام ید امانی جاری می شود. در نتیجه می توان مباحث پیش گفته و یافتن رهیافتی مناسب برای این ابهام را در این دسته از عقود نیز جاری دانست.

با عنایت به ثمرات مترقی این بحث، هدف نگارنده از این مقاله آن بوده که با نگاهی ژرف به آراء و دیدگاه های فقها و حقوق دانان در این زمینه، رهیافتی مناسب و البته همسو با قواعد فقهی - حقوقی در باب «اعاده ید امانی به امین مقصر» مطرح کند.

۱. پیشینه موضوع در فقه

هر چند مبحث ید امانی و مسائل مرتبط با آن، از مباحث مشترك در میان عقود مختلف است؛ با این حال اکثر فقها، در باب ودیعه و پس از طرح اسباب ضمان امین، این مسئله را مطرح کرده اند که ودعی با تعدی،^{۱۰} مال امانتی را از حرز بیرون آورد و سپس بدون وارد آوردن آسیبی، آن را به حرز بازگرداند، آنها در قالب این مسئله امکان بازگشت ید امانی به امین پشیمان از تقصیر را بررسی کرده اند.

اصولاً در مورد نوع تصرف امین به هنگام ارتکاب تقصیر، مشکل خاصی پیش

۱۰. بیشتر فقها برای بیان تقصیر امین از عنوان «تعدی» استفاده می کنند؛ حال آنکه برای انقلاب ید امانی به ضمانی، میان تعدی یا تفریط امین تفاوتی وجود ندارد. در کلام فقها تعدی و تفریط، این گونه تعریف شده است: «التفریط: فکان یطرحهما فیما لیس بحرر او یترك سقی الدابة او علفها ... (محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۳۱). مرحوم صاحب جواهر در شرح آن می افزاید: «فامر عدمی، و هو ترك ما یجب فعله من الحفظ» (نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۱۲۸) و «التعدی: مثل أن ینس الثوب أو یركب الدابة أو یخرجها من حرزها لیتفیع بها»: (شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۳۱). یکی از نویسندگان، تفاوت این دو را این گونه متذکر شده است: در تعدی، عنصر خیانت و عمد وجود دارد و جنبه فاعلی دارد؛ لیکن تفریط بیشتر جنبه غیر عمدانه و غیر خائنه دارد (لطفی، اسدالله، قاعده استیمان در سقوط ضمان، ص ۹۹).

نخواهد آمد؛ چرا که با توجه به روایات عدیده در این بحث،^{۱۱} و نیز با استناد به ید
 ضمانی امین، وی ضامن مطلق خسارات وارد شده در این بازه زمانی خواهد بود؛
 لیکن در باب وضعیت ید امین پس از ترك تقصیر، چنین صراحت و شفافیت روایی
 وجود ندارد. از همین رو فقها به مدد دانش فقهی خویش و نیز با تمسک به اصول و
 قواعد فقهی، سعی در استنباط حکم و رفع ابهام کرده اند.

در این رهگذر، گاه فقیهی با استناد به اصل استصحاب، ید امین را ضمانی
 توصیف کرده و فقیهی دیگر با تکیه بر قاعده احسان و اصل برائت، امین را میراً از
 ید ضمانی می داند. برخی با اختلاط شالوده این دو دیدگاه، راه میانه را در پیش
 گرفته و در مواردی قائل به بازگشت ید امانی و در موارد دیگر قائل به بازنگشتن ید
 امانی به امین تارك تقصیر شده اند. پس با وجود اتفاق نظر فقها در باب کیفیت ید
 امین در حین تقصیر، در باب نوع تصرفات امین پس از رفع تقصیر، نظرهای
 مختلفی مطرح شده است.

۲. طرح بحث

نگارنده با التفات به همه نظرهای مطرح شده در این قضیه، نخستین بار تقسیم بندی
 را بیان می کند که جامع تمام نظرهای فقهاست؛ بدین معنا که دسته ای از فقها تنها
 اراده مالک را موجب اعاده ید امانی می دانند و گروهی دیگر، گامی جلوتر نهاده،
 قهراً پشیمانی امین از تقصیر سابق را موجب اعاده ید امانی به وی می دانند. عده
 اندکی نیز (البته هر کدام به نحوی) در مواردی قائل به اعاده ارادی و در مواردی
 دیگر قائل به اعاده قهری ید امانی به امین پشیمان شده اند.

از این رو، بجاست مطالب را به اعاده ارادی ید امانی و نیز اعاده قهری ید

۱۱. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۸۹؛ شیخ صدوق،
 محمد بن علی، (با تحقیق: علی اکبر غفاری)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۲.

امانی، اختصاص دهیم. از سوی دیگر جامعیت پژوهش حاضر اقتضای آن را دارد که دیدگاه میانه نیز تحلیل شود. در پایان، ضمن طرح نظر مختار در صورت لزوم به تعدیل آن همت می‌گماریم.

۱-۲. اعاده ارادی ید امانی

بیشتر فقهای که در این حوزه نظر داده‌اند، با این استدلال که پس از تقصیر ودعی، ودیعه مضمونه شکل می‌گیرد، معتقدند که تقصیر امین موجب از میان رفتن ید امانی می‌شود.^{۱۲} در نتیجه، لازم است مالک (و یا مأذون از جانب وی) یک بار دیگر ید امانی را برای ودعی به دست آورد.^{۱۳}

معتقدان به این دیدگاه، افزون بر دلیل یاد شده دلایل دیگری نیز برای اثبات مدعای خویش بر شمرده‌اند؛ از جمله:

۱. اجماعی که عده‌ای از فقها متذکر آن شده‌اند؛^{۱۴}

۱۲. علامه حلی در تذکره معتقد است که به واسطه تقصیر ید ضمانی امین باطل می‌شود: (علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۱۹۸).
۱۳. از جمله قائلان به این دیدگاه، می‌توان به این افراد اشاره کرد: محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۳۳؛ فخر المحققین، محمد بن الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إیضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ کاشف الغطاء، نجفی، احمد بن علی، سفينة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، ج ۴، ص ۴۹؛ حسینی شیرازی، سید صادق، التعليقات علی شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۴۱۷؛ مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۴، ص ۲۰۵؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، حاشیة الإرشاد، ج ۴، ص ۱۴؛ علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب الإمامیه، ج ۴، ص ۳، ص ۱۹۳؛ شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط في فقه الإمامیه، ج ۴، ص ۱۳۴؛ امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۶۰۴.
۱۴. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۶۲۲؛ علامه حلی،

۲. استصحاب ید ضمانی امین، از دیگر ادله قائلان به این دیدگاه است؛ چه آنکه با تقصیر امین، در باره ضمانی گشتن ید وی یقین حاصل می شود؛ حال با پیدایش شک به اعاده ید امانی که از ترك تقصیر او ناشی می شود، به اقتضای اصل عملی استصحاب، یقین سابق را بر شک لاحق مرجح دانسته با استمرار ید ضمانی امین، در این مقطع نیز ید امین را همچون ضمانی به حساب می آوریم.^{۱۵}

به هر حال صاحبان این نظر معتقدند که مالک باید با لحاظ کردن اراده خویش از طریق استیمان و یا ابراء دوباره اسباب اعاده ید امانی را برای امین پشیمان، فراهم آورد.

۲-۱. استیمان مجدد مالک

اصولاً استیمان مجدد مالک، از دو راه می تواند به اعاده ید امانی به امین تارك تقصیر منجر شود؛ بدین صورت که مالک یا بدون رد مال از سوی امین،^{۱۶} و یا پس از رد مال، ید امانی را برای امین انجام دهد.

بیشتر فقهای قائل به این دیدگاه، هر دو راه را برای اعاده ید امانی پذیرفته اند،^{۱۷}

> الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۱۹۸؛ حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۱۷، ص ۲۲۰؛ ابن ادریس حلی، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج ۲، ص ۴۳۵؛ شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۴، ص ۱۳۴.

۱۵. محقق نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷، ص ۱۴۵؛ طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۶۲۱؛ حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۱۷، ص ۲۲۰؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۱۱۵.

۱۶. «بان يقول له: أذنت لك في حفظها، أو أودعتكها، أو استامتك عليها، ونحو ذلك»: (شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۱۱۵).

۱۷. مرحوم صاحب ریاض در باب شق اول چنین می فرماید: «ولو جدد المالك له الاستیمان بعد الرد» (طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۶۲۲).

اما برخی از آنها فقط راه دوم را برای اعاده ید امانی شناسایی کرده‌اند،^{۱۸} چه آن که تقصیر امین، به انحلال عقد امانی منجر نمی‌شود؛ پس، از یک سو عقد امانی هر چند به نحو مضمونه برقرار است و از سوی دیگر با ضمانی گشتن عقد، چنان که گذشت، نمی‌توان برگشتی برای ید امانی متصور شد. از این رو، با رد مال که دلالت بر فسخ دارد، به این عقد خاتمه داده می‌شود.^{۱۹}

وانگه، در مقام داوری میان این دو دیدگاه، به نظر می‌رسد که باید با آن دسته از فقها هم عقیده شد که مطلق استیمان^{۲۰} را برای اعاده ید امانی کافی دانسته‌اند. به بیان دیگر، نظر فقهای مرجع است که برای اعاده ارادی ید امانی، لزوم رد مال را لازم ندانسته‌اند؛^{۲۱} چرا که (با فرض عدم اعاده قهری ید امانی، پس از ترك تقصیر) تفاوت ظریفی که میان ید ضمانی غاصب و امین مقصر وجود دارد، در آغاز استیلا بر مال است؛ وانگه شروع استیلا غاصب، مذموم و نامشروع؛ و آغاز به استیلا ودعی ممدوح و مشروع است. افزون بر این، رد مال از جانب امین، حق مالک است که البته از جانب مالک اسقاط شدنی است.^{۲۲}

۱۸. مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۴، ص ۱۹۹؛ علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ج ۱، ص ۴۳۸؛ محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، المختصر النافع في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز، جواهر الفقه، ج ۱، ص ۱۰۳؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، ج ۱، ص ۲۷۵.

۱۹. محقق نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷، ص ۱۴۶.
۲۰. باری، مراد از مطلق استیمان، استیمان مالک بعد از رد مال و استیمان مالک بدون نیاز به رد مال است.

۲۱. شهید ثانی (ره) در مسالک، هر چند با ارتکاب تقصیر، امین را به منزله غاصب قلمداد می‌کند، رد مال را برای اعاده ید امانی لازم نمی‌دانند؛ (شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۱۱۵)؛ در حالی که کلام این فقیه نامی

آن دسته از فقهای که پس از غاصب دانستن امین مقصر، رد مال را برای استیمان مجدد وی لازم دانسته اند، گویی چنین پنداشته اند که ید ودعی همانند غاصب ضمانی شده و در نتیجه همان گونه که استیمان مالک در مورد غاصب (دست کم بدون رد مال) بی فایده است، در این مطلب نیز همین بحث جاری است و استیمان امین مقصر هم بدون رد مال بی فایده است.^{۲۳} اما این تحلیل، پذیرفتنی نیست؛ چه آنکه مشهور، استیمان غاصب را پذیرفته و آن را برای انقلاب ید ضمانی غاصب به امانی، کافی دانسته اند.^{۲۴}

۲-۱-۲. ابراء مالک

از دیگر مواردی که بنا به اراده مالک، موجب حدوث مجدد ید امانی برای

> در حاشیه الارشاد، به گونه ای است که گویی فقط رد به مالک را منجر به براءت امین می داند (همو، حاشیه الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۰). البته طرح مجدد نظر ایشان در شرح لمعه، حاکی از اعتقاد ایشان به نظر مطرح شده در مسالک است (همو، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام ج ۴، ص ۲۵۰).

۲۲. محقق ثانی (کرکی)، با تحمیل پاسخ منفی به این پرسش که آیا استیمان مالک بدون دفع مال ممکن است، چنین استدلال می آورد: «... لأن التضمین لحق المالك و قدرضی بسقوطه»: (محقق ثانی (کرکی)، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۶، ص ۱۴).

۲۳. مرحوم ابن حمزه، صاحب الوسیله، به گزارش صاحب مفتاح: (حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۶، ص ۱۲) در مقابل قول مشهور فقها در زمینه زوال ضمان در پی ابداع به غاصب، معتقد به عدم زوال ضمان است. با مراجعه به الوسیله و مواجه شدن با جمله «لم یزل الضمان إلا بالرد» (ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیله إلی نیل الفضیلة، ج ۱، ص ۲۷۵) گزارش صاحب مفتاح تقویت می شود.

۲۴. صاحب مفتاح در این زمینه چنین می نگارد: «أن زوال الضمان فی ابداع الغاصب مختار جماعة کثیرین بل استظهرنا أنه لیس محل خلاف» (همان) همچنین ر. ک: (محقق ثانی (کرکی)، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۵، ص ۹۸؛ شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۲، ص ۲۰۴).

امین پشیمان از تقصیر می شود، «ابراء مالک» است؛ بدین صورت که مالک با بری کردن امین از ید ضمانی، موجبات انقلاب ید را فراهم می آورد. ۲۵ شایان ذکر است که در این مورد نیز برخی از فقها، ضمن نادرست دانستن تاثیر ابراء امین مقصر در تجدید ید امانی، به مناقشه در باره آن پرداخته اند؛ بدین معنا که آنچه در طی براءت ساقط می شود، همانا ذمه ضامن است. البته ذمه امین، تنها در صورتی در مقابل مالک مشغول می شود که امین در حالت ید ضمانی، مرتکب نقص یا تلف مال شده باشد. در غیر این صورت براءت مالک از مصادیق «ضمان مالم یجب» محسوب شده و بی تاثیر خواهد بود^{۲۶}. در مقابل، عده ای از فقها با تعبیر کردن ید ضمانی امین مقصر به مقتضی و سبب ضمان، و نیز کفایت سبب ضمان در حدوث براءت، این مناقشه را مخدوش، و ابراء مالک را برای اعاده ید امانی کافی دانسته اند^{۲۷}. با التفات به این دلیل و نیز کاشف دانستن ابراء در قصد مالک به منظور

۲۵. قائلین به این دیدگاه عبارتند از: (حسینی شیرازی، سید صادق، التعلیقات علی شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۴۱۷؛ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۳۳؛ امام خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۶۰۴؛ علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، ج ۳، ص ۱۹۳؛ محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۳۳؛ کاشف الغطاء نجفی، احمد بن علی، سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، ج ۴، ص ۴۹؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۱۰۵).

۲۶. محقق نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷، ص ۱۴۶؛ بهجت «گیلانی فومنی»، محمد تقی، وسیلة النجاة، ج ۱، ص ۵۷۸.

۲۷. محقق ثانی (کرکی)، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۵، ص ۹۹؛ طباطبایی حائری، سید محمد مجاهد، کتاب المناهل، ج ۱، ص ۲۴۵؛ بحرانی، آل عصفور، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، ج ۱۳، ص ۱۹.

استیمان مجدد امین،^{۲۸} گویا نظر این دسته رجحان دارد.

۲-۲. اعاده قهری ید امانی

صرف نظر از اختلاف های فقها در باره راه های اعاده ارادی ید امانی به امین مقصر، اختلافی در باب نفس آن وجود نداشت؛ چه همان اراده ای که ابتداء ید امانی را برای امین حاصل گردانید، یک بار دیگر، خواهد توانست ید امانی را برای امین پشیمان از تقصیر برقرار کند.

حال، تمام بحث بر سر این است که آیا می توان بدون دخالت اراده مالک، به صرف عدول از تقصیر سابق، اعاده ید امانی را برای امین پشیمان، به صورت قهری تصویر کرد^{۲۹}.

بیان مشهور فقها در این باره، گویای مخالفت آنها با این شیوه است. به دیگر سخن؛ مشهور فقها ضمن مخالفت با براءت قهری امین مقصر از ید ضمانی، تنها اراده سازنده مالک را برای ایجاد مجدد ید امانی، مناط قرار داده اند.

با وجود شهرت این دیدگاه، عده ای از فقها با طرح ادله ای، چنین نظر داده اند که با ترك تقصیر از سوی امین، قهرأ ید امانی، بدون نیاز به دخالت اراده مالک برای

۲۸. به بیان دیگر، قصد و نیت نهایی مالک از ابراء کردن ذمه ضامن، محو کردن ید ضمانی پیشین و استقرار ید امانی جدید به جای آن است. گفتنی است که ثبوت ید ضمانی پس از تقصیر، به دلیل بهره مندی مالک از آثار آن است، که البته همانگونه که گذشت، این حق از جانب مالک، اسقاط شدنی است.

۲۹. در این نوشتار ما چنین اعاده ای را قهری نامیدیم. برای اثبات ادعای درستی این نامگذاری، به انقلاب قهری ید امین از امانی به ضمانی به هنگام تقصیر امین (صرف نظر از شرط عدم ضمان امین) تمسک می جوئیم. به بیان دیگر همان گونه که، در آن مورد انقلاب قهری را می پذیرفتیم، در اینجا نیز در جریانی مشابه، از همان عنوان می توان مدد گرفت.

امین اعاده می شود. ۳۰

ادله قائلان به این دیدگاه را، به دو دسته می توان تقسیم کرد: ادله ای که در رد دیدگاه اعاده ارادی ید امانی است^{۳۱} (ادله نقضی)؛ و ادله ای که در راستای اثبات اعاده قهری ید امانی است (ادله حلّی).

الف) ادله نقضی

اولاً، احتجاج آنها به زوال ید امانی با بقای اذن کلی مالک و انحلال نیافتن عقد، پذیرفتنی نیست؛

ثانیاً، اجماع مورد ادعا، اجماعی مدرکی است که نمی توان قائل به حجیت آن شد^{۳۲}؛ چه آنکه از یک سو، قولی از معصوم در این زمینه نرسیده است، و از سوی دیگر، منبع و مدرک مدعیان اجماع، همان عموم ادله ای است که برای اثبات ید ضمانی بدان متمسک گردیده اند؛

ثالثاً، استناد به استصحاب در شبهات حکمی، صحیح نیست^{۳۳}.

۳۰. از قائلین به این دیدگاه، می توان از: (طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۶۶۷؛ محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۰، صص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۲، ص ۳۵۱-۳۵۲) و از میان فقهای معاصر می توان از: حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۲۱؛ محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۳) نام برد.

۳۱. منظور، دیدگاهی است که فقط اراده مالک را برای بازگشت ید امانی می پذیرد.

۳۲. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۱۴۴. هرگاه در موردی که ادعای اجماع شده است، روایتی وجود داشته باشد که به احتمال زیاد، مدرک و مستند اجماع کنندگان همان روایت بوده باشد، چنین اجماعی را اجماع مدرکی یا مستند می نامند: (حسین قافی و سعید شریعی، اصول فقه کاربردی، ج ۲، ص ۱۳۳).

۳۳. صدر، سید محمد باقر، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۴۶۸.

ب) ادله حلّی

اولاً، اذن کلی مالک با وجود ارتکاب تعدّی از ناحیه امین هنوز باقی است؛ چه آنکه در غیر این صورت، تقصیر امین می‌بایست به انحلال عقد امانی منجر می‌شد؛ در حالی که از فقهای امامیه کسی قائل به این امر نشده است.^{۳۴} به بیان دیگر، انحلال نیافتن عقد به واسطه تقصیر امین، خود می‌تواند گواه بر این مطلب باشد که اذن کلی مالک برای نگهداری مال نزد امین، هنوز برقرار است. از این رو، پس از ترك تقصیر، دو باره وصف امانت به امین اعاده می‌یابد؛ چه آنکه به نظر می‌رسد وجود سبب اذن مالک، محقق شدن اثر ید امانی مختص به خود را اقتضا می‌کند.^{۳۵}

ثانیاً، انگیزه احسان ودعی در عقد ودیعه، موجب می‌شود وی یکی از مصادیق محسنین در آیه «ما علی المحسنین من سبیل»^{۳۶} به شمار رود. از این رو، بجاست که مفاد قاعده احسان، مفاد قاعده ضمان ید را به دوران ارتکاب تقصیر امین محدود کند و با عنایت به مفاد این قاعده، ید امین پس از ترك تقصیر، امانی محسوب شود.^{۳۷}

۳۴. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، تکملة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۴، ص ۲۱۹؛ شهید ثانی چنین می‌فرماید: «... و معهما (تعدّی و تفریط) یتقی العقد»؛ محقق نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷، ص ۴۲۸.

۳۵. عبارت اخیر نگارنده برای توجیه مطلوب این دلیل است؛ چه آنکه در سرتاسر مدت عقد امانی، اذن کلی مالک موجود است و از لوازم اصلی این امر، استقرار ید امانی برای امین است. در زمان ارتکاب تقصیر، با اینکه همچنان اذن مالک برقرار است، قاعده علی الید مانع از جاری گشتن لوازم آن می‌شود. پس از رفع تقصیر باید مجدداً با استناد اذن کلی مالک، ید امین امانی محسوب شود.

۳۶. توبه: ۹۱.

۳۷. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۶۲۱؛ طباطبایی

با وجود قوت این دلیل، باید مفاد این دلیل را فقط در عقد ودیعه جویا شد؛ چه آنکه در دیگر عقود امانی، برخلاف ودیعه، مصلحت امین نیز در کنار مصلحت مالک مدنظر قرار می‌گیرد. از این رو، استناد به این دلیل برای اثبات ید امانی امین پس از ترك تقصیر در سایر عقود امانی توجیهی ندارد.

ثالثاً، مرحوم سید محمد کاظم یزدی، از سردمداران این دیدگاه، معتقد است براساس عموم ادله‌ای که بر نفی ضمان امین دلالت دارند، تا هنگامی که عقد امانی برقرار است، ید امانی و آثار آن نیز برقرار است. آنچه به عنوان مخصص، عموم این ادله را تخصیص و محدود می‌کند، ادله مربوط به ضمانی گشتن ید امین به واسطه تقصیر است که البته آن هم فقط مختص به آن بازه زمانی است و پس از برطرف شدن تقصیر باید با استناد به عموم ادله بهره‌مندی ضمان امین، دو باره ید امین را امانی به شمار آوریم.^{۳۸}

رابعاً، ضمان امین فقط با ارتکاب تقصیر از جانب وی محقق می‌شود. در نتیجه، هنگامی که تقصیری از امین سر نزده است، استناد به ید ضمانی او مصداق ندارد.^{۳۹} به دیگر سخن، حکم (ضمانی گشتن ید امین) با انتفای موضوع (تقصیر سابق امین) منتفی می‌شود.^{۴۰}

در ادامه بحث، با انتخاب این نظر به عنوان دیدگاه مختار، بیشتر به شرح آن خواهیم پرداخت.

> حائری، سید محمد مجاهد، کتاب المناهل، ج ۱، ص ۲۴۱؛ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۳۳؛ کاشف الغطاء نجفی، محمدحسین بن علی، تحریر المجلة، ج ۲، ص ۳۴.

۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۳۵.

۳۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الاذهان، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴۰. مرحوم مقدس اردبیلی چنین می‌فرماید: «... ولو انتفی التقصیر فلا ضمان»: (همان).

۲-۳. دیدگاه میانه در باره اعاده ید امانی

عده ای از فقها با برگزیدن دیدگاه میانه، در مواردی قائل به اعاده امانی و در موارد دیگر قائل به عدم اعاده ید امانی شده اند. آنچه بر نگارنده این سطور واضح شده این است که در همین دیدگاه نیز میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. در ادامه به اختلاف نظرها اشارت می رود:

۱. مرحوم کاشف الغطاء، در امانت هایی که به مصلحت مالک منعقد شده است (مانند ودیعه و وکالت تبرعی)، پس از پشیمانی امین از تقصیر پیشین، قائل به رفع ضمان شده است و در مورد امانت هایی که به مصلحت امین و یا هر دوی آنها وضع شده (مانند اغلب عقود امانی مثل اجاره، وکالت غیر تبرعی، عاریه، و ...) قائل به بازنگشتن ید امانی است.^{۴۱} عمده دلیل این فقیه بزرگ در مورد بازگشت ید امانی، قاعده احسان (صورت اول)؛ و در مورد بازنگشتن ید امانی، همان استصحاب ید ضمانی و قاعده «الزائل لا يعود»^{۴۲} است.

۲. در مبسوط، دیدگاه میانه دیگری استنباط می شود؛ بدین صورت که ملاک را برای اعاده ید امانی، نفس کیفیت تقصیر امین می داند؛ یعنی در صورتی که نوع تعدی انجام شده در باره مال امانت، در راستای منفعت امین بوده باشد (مانند پوشیدن لباس)، پس از ترك تقصیر، نمی توان بازگشتی را برای ید امانی متصور شد و متقابلاً در صورت بهره مند نشدن امین از تقصیر در مال امانتی (مانند خروج حیوان از حرز)، ید امانی باز می گردد.^{۴۳}

۴۱. کاشف الغطاء نجفی، محمدحسین بن علی، تحریر المجله، ج ۳، ص ۳۳-۳۴.

۴۲. برای مطالعه چگونگی استفاده از مفاد این قاعده، ر. ک: (آملی، میرزا محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۴).

۴۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۴، ص ۱۳۴-۱۳۵.

۳. دیدگاه ابوحنیفه در باب این مسئله نیز در این تقسیم بندی جای می گیرد؛ چه آنکه این فقیه عامه، اصولاً پشیمانی امین از تقصیر پیشین را برای اعاده ید امانی کافی می داند، مگر در سه مورد:

یک. هنگامی که امین، منکر مال امانت نزد خود باشد و سپس بدان اقرار کند؛
دو. هنگامی که مالک، مال خویش را از امین مطالبه کند و امین از رد آن امتناع ورزد؛

سه. و سرانجام هنگامی که امین با تقصیر خویش، موجبات ممزوج گشتن مال امانت را با اموال دیگر فراهم آورده باشد^{۴۴}.

۳. دیدگاه مختار

از مجموع سه دیدگاه گفته شده در باره اعاده قهری ید امانی، مناسب ترین دیدگاه، همان دیدگاه دوم است که ترك تقصیر امین را برای اعاده امانی به وی کافی می داند. علاوه بر دلایل یاد شده، دلایل ذیل نیز بدان افزوده می شود:

می توان مفاد قاعده «إذا زال المانع عاد الممنوع» را برای صحت ادعای بازگشت قهری ید امانی به امین، در نظر گرفت؛ چه آنکه به موجب این قاعده، هنگامی که مانع احتساب ید امانی برای امین از بین رود (تقصیر)، ممنوع (همان ید امانی) اعاده می یابد.^{۴۵}

۴۴. انصاری، شیخ مرتضی، المكاسب، ج ۴، ص ۱۷۳.

۴۵. مرحوم کاشف الغطاء در تحریر المجله، این قاعده را معروف می داند. ایشان در بحثی این گونه از این قاعده برای اثبات مدعای خویش بهره می برند: «... علی قاعدة إذا زال المانع عاد الممنوع و كان السفه هو المانع من صحة التصرفات فإذا زال عادت الصحة كما في سائر العقلاء»: (کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی، تحریر المجله، ج ۲، ص ۱۷۱). این فقیه بزرگ در موارد دیگری نیز از این قاعده استفاده کرده است (همان، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۲، ص ۱۶۵. همچنین ر. ک: (آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۲، ص ۲۵).

در نقطه مقابل، ممکن است با استناد به قاعده «المعدوم لا يعود»، گفته شود که با زوال ید ضمانی امین به واسطه تقصیر وی، دیگر مجالی برای بازگشت آن متصور نیست. اما این شائبه باید از ذهن برطرف شود؛ چه آنکه استناد به این قاعده در این بحث صحیح نیست؛ چنان که گفته شد با وجود تقصیر، اذن کلی مالک همچنان پابرجاست. در نتیجه، قائل شدن به زوال ید امانی در حالی که منبع اصلی آن (اذن مالک) هنوز پابرجاست، ناموجه است. افزون بر آن، با توجه به آنکه ضمان امین، امری استثنائی و خلاف قاعده است، باید به حکم قاعده^{۴۶} تا حد امکان قائل به تفسیر مضیق آن شد. در نتیجه توسعه ضمان امین در مواردی که در نوع ید امین در آن موارد مشکوکیم^{۴۷}، امری خلاف قاعده و ناپسند است که باید از آن پرهیز کرد.

از دیگر دلایلی که می توان برای اثبات این نظر بر شمرد «جمع بین حقیین» است؛ بدین معنا که چنانچه ترك تقصیر را برای بازگشت ید امانی به امین کافی ندانیم، حکمی را به ضرر امین وضع کرده ایم، در حالی که با حکم به بازگشت ید امانی، حق مالک و حق امین را در این باره جمع کرده ایم.^{۴۸}

پس از انتخاب دیدگاه برگزیده خویش در این مقاله، مناسب دیده شد که ابتداء دیدگاه مختار خویش را در اقسام مختلف ید امین پیش از ارتکاب تقصیر بررسی کنیم و سپس به تعدیل آن همت گماریم.

۴۶. فیما یخالف الاصل یقتصر علی موضع المتیقن.

۴۷. مراد نوع ید امین در دوران بعد از تقصیر است.

۴۸. در باب استناد فقها به این دلیل (جمع بین حقیین)، ر. ک: فخر المحققین، محمد بن الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۲، ص ۳۹؛ محقق ثانی (کرکی) علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۹، ص ۷۶؛ حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۱۸، ص ۲۷۳؛ میرزای قمی، جامع الشتات فی اجوبه السؤالات، ج ۲، ص ۱۱۹.

۱-۳. اقسام ید امین، پیش از ارتکاب تقصیر^{۴۹}

در بیشتر مواردی که امین بر مال دیگری استیلا می‌یابد،^{۵۰} ید امین امانی است. با وجود این، گاه می‌توان امانت‌هایی را تصویر کرد که ید امین، خلاف قاعده ضمانی است. به بیان دیگر، می‌توان در یک تقسیم‌بندی، انواع ید امین را به ید امانی ابتدایی و ید ضمانی ابتدایی، تقسیم کرد. مناسب است دیدگاه برگزیده خویش را با در نظر گرفتن این نوع تقسیم‌بندی مطرح کنیم.

۱-۳-۱. ید امانی ابتدایی

تمام مطالب پیش گفته در باره اثبات بازگشت قهری ید امانی (دیدگاه برگزیده)، به این مورد اختصاص دارد. به دیگر سخن در تمام مواردی که ید امین از ابتداء امانی است، پس از پشیمان شدن امین از تقصیر و کنار نهادن تقصیر، یک بار دیگر ید امانی برای امین حاصل می‌آید. به طور کلی، ثمرات تمایز میان ید امانی و ید ضمانی امین را می‌توان در سه امر خلاصه کرد:

۱. مسئولیت امین در زمینه تلف و نقص مال مورد امانت؛
 ۲. ادعای وی در زمینه تلف و نقص مال مورد امانت؛
 ۳. وجوب پرداخت اجرت‌المثل به مالک (البته فقط برای ایام بعد از تقصیر).
- به موجب دیدگاه بازگشت قهری ید امانی، در صورتی که ید امانی ابتداء برای امین حاصل شده باشد، وی می‌تواند پیش از ارتکاب تقصیر و نیز در صورت ارتکاب تقصیر، پس از ترك آن، از تمام مزایای یاد شده بهره‌مند شود.

۴۹. به دیگر سخن، اقسام ید امین در ابتدای شروع ید امانی.

۵۰. خواه از بابت امانات مالکانه و یا از بابت امانات شارعانه.

۲-۱-۳. ید ضمانی ابتدایی

در بیشتر مواردی که عقد امان آوری، استیلائی دیگری را بر مال مالک تجویز می کند، اقتضای ایجاد ید امانی برای مستولی (امین)، از همان ابتدای شکل گیری عقد است، به دیگر سخن، اینکه با وجود شکل گیری عقد امان آور، ید مستولی و امین همچنان ضمانی باشد، امری خلاف قاعده خواهد بود که باید محدود به مورد منصوص خود شود.

با جست و جو در تألیفات صاحب نظران، این امر خلاف قاعده را تنها در دو مورد می یابیم:

۱. در مواردی که به موجب توافق خصوصی طرفین، شرط ضمان برای امین در نظر گرفته شده است (البته در صورتی که قائل به صحت شرط ضمان بر امین باشیم). ۵۱.

۲. گاه نفس امانت به صورت مضمونه منعقد می شود، مانند عاریه طلا و نقره.

حال، این پرسش مطرح است که آیا در این حالت، دیدگاه بازگشت قهری می تواند مصداق داشته باشد؟

ممکن است در پاسخی گذرا به این سؤال، چنین نظر داده شود که با وجود ید ضمانی ابتدایی امین، چگونه پس از ترك تقصیر، می توان بازگشت قهری ید امانی را برای او تصور کرد! به دیگر سخن، مگر می توان امری را که امین از ابتداء نداشته است، پس از ترك تقصیر، برای وی در نظر گرفت.

۵۱. در مورد قائلان به صحت این شرط، ر. ک: محقق اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۰، ص ۶۹؛ میرزای قمی، جامع الشتات فی اجوبة السؤالات، ج ۳، ص ۴۰۱؛ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، سؤال و جواب، ج ۱، ص ۳۰۷.

اما با اندکی درنگ و تأمل در ثمرات گفته شده در باب تمایز ید امانی و ضمانی، می توان به واقعیت دست یافت؛ بدین توضیح که با ضمانی گشتن ید امین در ابتدای شکل گیری عقد امانی، اولاً امین، مسئول هر تلف و نقصی است که به مال امانتی وارد می شود.

ثانیاً، قول امین نیز در این زمینه (تلف و نقص) مقدم نخواهد بود.

با وجود این، شائبه ضمانی محسوب شدن ید امین^{۵۲}، نباید تصور الزام وی به پرداخت اجرت المثل ایام تصرف ضامنانه بر مال امانتی به مالک را پدید آورد^{۵۳}. با عنایت به این بحث، می توان چنین نظر داد که امین ضامن پس از ارتکاب تقصیر، موظف است اجرت المثل ایام استیلاي خویش بر مال امانتی را به مالک بپردازد؛ چه آنکه امین با ارتکاب تقصیر در برابر مالک، در حکم غاصب است.

به مدد این مقدمه، می توان به ثمره بازگشت قهری ید امانی به امین، پس از ترك تقصیر نائل آمد؛ بدین معنا که در مورد دو ثمره اول در بحث ما (یعنی جایی که در ابتداء، ید امین ضمانی است)، میان قبل، حین و بعد از تقصیر تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی امین، هم ضامن مطلق خسارات وارد آمده به مال امانتی است و هم قول مالک در این زمینه مقدم است^{۵۴}.

اما به نظر می رسد که تنها نتیجه تقصیر امین در این بحث، الزام وی به پرداخت اجرت المثل است. به بیان دیگر، ارتکاب تقصیر از سوی امینی که از اساس و ابتداء ید وی ضمانی است، به ثبوت اجرت المثل منجر می شود؛ در ۵۲. بدیهی است که مراد از ضمانی محسوب شدن ید امین، این است که در ابتدای شکل گیری عقد امانی، بر خلاف قاعده و در محدوده دو مورد گفته شده (عاریه مضمونه و شرط ضمان)، ید ضمانی برای امین پدید آید.

۵۳. در واقع، تفاوت ید ضمانی امین و ید ضمانی غاصب نیز در همین نکته است که بر امین ضامن برخلاف غاصب ضامن، پرداخت اجرت المثل ایام استیلا، موجبی ندارد.

۵۴. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ج ۲، ص ۳۲.

حالی که این الزام پیش از ارتکاب تقصیر وجود نداشت. حال چنانچه بازگشت ید امانی را برای امین، پس از ترك تقصیرش بشناسیم، لزوم پرداخت اجرت المثل نیز از میان می رود؛ زیرا این الزام به زمان تقصیر اختصاص داشت. پس در این حالت، دست کم می توان قائل به ثمره بازگشت ید امانی برای امین شد.

ایرادی که طرح آن، در تقریب مسئله به ذهن مفید خواهد بود، این است که عقود امان آور نیز ممکن است معوضاً^{۵۵} منعقد شود. به بیان دیگر پیش از ارتکاب تقصیر نیز امین موظف بود اجرت استیلا بر مال مورد امانت را به مالک بپردازد (دقیقاً مانند اجاره مضمونه)^{۵۶}.

در مقام رفع این ایراد، می توان گفت که در این موارد، ثمره بحث به مازاد بودن اجرت المثل بر اجرت المسمی بر می گردد. بنابراین، چنانچه در اجاره مضمونه، مستأجر مرتکب تقصیر شود، باید در ایام استیلائی ضامنانه، در صورت بالا بودن اجرت المثل نسبت به اجرت المسمی، تفاوت آن را به موجر بپردازد در حالی که این الزام پیش و بعد از ارتکاب تقصیر، بر عهده امین نبود. همچنین پس از ارتکاب تقصیر، امین در برابر مالک در حکم غاصب است و یکی از الزامات غاصب و اشخاصی که در حکم آن هستند (امین پس از ارتکاب تقصیر)، این است که اجرت المثل ایام استیلائی خویش بر مال را به مالک بپردازند^{۵۷}.

۲-۳. تعدیل دیدگاه مختار

در نقطه مقابل، با عنایت به نپذیرفتن مطلق این نظر، مناسب است که از دو جهت، دیدگاه مختار را تعدیل کنیم:

۵۵. مراد از «معوضاً» این است که در مقابل اجرت باشد.

۵۶. محقق ثانی (کرکی) علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۷، ص ۲۴۰.

۵۷. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۶، ص ۸۴.

۱. صرف ادعای امین مقصر در این زمینه که از تقصیر خویش پشیمان شده و مجدداً در صدد انجام دادن اقداماتی برای مراعات کردن مصلحت مال مورد امانت است، پذیرفتنی نیست؛ چه آنکه صرف نظر از دشواری اثبات این اعا، به عنوان قاعده، انقلاب ید (از ضمانی به امانی و بالعکس) به صرف نیت و انگیزه نمی تواند مصداق داشته باشد.^{۵۸} پس همان گونه که به صرف نیت و انگیزه خیانت و تقصیر نمی توان به ضمانی بودن ید امین حکم داد، به همان شیوه نیز نمی توان به صرف نیت و انگیزه رعایت مجدد مصلحت مالک، به امانی گشتن ید ضمانی وی حکم داد.

چنانچه از زاویه دیگر به این موضوع نگریسته شود، همین تفسیر، به صورت مطلوبتری درک می شود، بدین صورت که می توان نوع تقصیر امین را به تقصیر آئی و تقصیر مستمر تقسیم کرد. در تقصیر آئی، به واسطه فعل آئی امین، مانند بیرون آوردن حیوان امانتی از حرز، ید ضمانی برای وی حاصل می آید. در این گونه موارد، اقدام امین به ترك تقصیر و نگهداری مجدد امانی از مال مورد امانت (البته با شرط اثبات) می تواند موجب بازگشت ید امانی به وی شود.

در مورد تقصیرات مستمر نیز (مانند آنکه ودعی بدون ضرورت، مال مورد امانت را به مسافرت ببرد)، که در سرتاسر مدت ید امین ضمانی است، به شرط ترك تقصیر و نگهداری مجدد مال مورد امانت، می توان ید امانی را برای امین در نظر گرفت.

۵۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۵، ص ۲۰۶؛ مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۴، ص ۲۰۵. گویی مرحوم کاشف الغطاء (حسن)، صرف نیت را برای تحقق خیانت امین و انقلاب وی کافی می داند. ایشان در این زمینه می نویسند: «لو قبض المستودع الودیعة ابتداءً بقصد الخيانة أو قصد الخيانة في الاثناء احتمال القول بلزوم الضمان مطلقاً لعموم علی الید» (کاشف الغطاء نجفی، حسن بن جعفر، أنوار الفقاهة - کتاب الودیعة، ج ۱، ص ۱۶).

با توجه به مراتب یاد شده، می توان چنین نتیجه گرفت که پشیمانی امین از تقصیرات پیشین خود، باید با اعمالی همراه باشد که گواه پشیمانی او است؛ از یک سو و به لحاظ سلبی، امین باید از تقصیر سابق عدول کند و از سوی دیگر و به لحاظ ایجابی، امین باید دوباره به نگهداری مال مورد امانت مبادرت کند، بنابراین، ادعای خلاف چنین اعمالی از امین، نمی تواند پذیرفتنی باشد.

۲. در پاره ای از عقود امانی نظیر وکالت و ودیعه، که ثبات و استمرار امین در رعایت کردن مصلحت مالک، یکی از عوامل اصلی انتخاب اوست، تقصیر امین موجبات اعاده ید امانی را فراهم نمی آورد؛ چرا که در غیر این صورت، با انگیزه های ابتدایی و اولیه مالک از مأمون قرار دادن دیگری (که در نهایت منجر به انتخاب امین شده است)، در تغایر خواهد بود و در واقع در این گونه موارد، تقصیر امین موجبات مخدوش شدن اساس تصمیم مالک در زمینه امین قراردادن دیگری می شود.^{۵۹}

نتیجه

۱. در این مقاله با رویکردی بدیع، راه های بازگشت ید امانی به امین، پس از ترك تقصیر، تحلیل شد. به لحاظ حقوقی گفته شد که در قانون مدنی از این موضوع بحثی به میان نیامده است. از یک سو، می توان چنین گفت که از منظر قانون گذار، صرفاً آنچه باعث ثبوت ید ضمانی برای امین می شود، اشتغال به تعدی و تفریط است، نه اینکه پس ترك تقصیر نیز این حالت ضمانی برای امین همچنان استمرار یابد. در نقطه مقابل، ممکن است گفته شود با بیان نکردن حکم مسئله، به حکم اصل ۱۶۷ قانون اساسی، از طریق فقه باید پاسخی برای فرض مسئله تدارك دید.

گفته شد که مشهور فقها معتقدند که حتی با عدول امین از تعدی و تفریط،

۵۹. در واقع در اینگونه موارد، استمرار در رعایت نمودن مصلحت، به حالت «وحدت مطلوب»، مورد نظر مالک است.

دیگر نمی توان بازگشتی برای سمت امانت به امین متصور شد؛ چه آنکه در این حالت، امین در شمار غاصبان در می آید.

۲. با این همه، باید با آن دسته از فقها همداستان شد که ترك تقصیر امین را به عنوان راه بازگشت ید امانی پذیرفته اند، چه آنکه تا زمانی که عقد باقی است، اذن نیز باقی است و نباید این دو امر را جدای از یکدیگر دانست. تعدی و تفریط به اذن لطمه نمی زند؛ بلکه مانند حائلی در راه نفوذ اذن باقی می ماند و مانع از ایجاد اثر می گردد. اما هر گاه مانع از بین برود، منبع ایجاد کننده امانت؛ یعنی همان اذن، برمی گردد. همچنین با توجه به آنکه ضمان امین، امری استثنایی و خلاف قاعده است، به حکم قاعده باید تا حد امکان قائل به تفسیر مضیق آن شد. در نتیجه، توسعه ضمان امین در آن مواردی که در نوع ید امین در آن موارد مشکوکیم، امری خلاف قاعده و ناپسند است که باید از آن اجتناب کرد.

۳. با وجود این، لزوم قرین گشتن اعمالی که گواه ترك تقصیر باشد، نکته ای است که نظر پیش گفته را تعدیل می کند. به لحاظ سلبی، این اعمال باید بر ترك تقصیر امین حمل شود، و به لحاظ ایجابی نیز بر نگهداری مجدد مال امانی.

۴. گاه در هنگام انعقاد عقد امانی، استمرار بدون وقفه در رعایت مصلحت توسط امین، مورد نظر مالک بوده است. در این گونه موارد، بازگشت ید امانی به امین (هر چند پس از ترك تقصیر) با اساس انگیزه های مالک در تضاد خواهد بود.

۵. مطالب این مقاله هم حالتی را که ید امین، از ابتداء (مطابق قاعده) امانی است و هم فرضی را که ید امین از ابتداء در عقد امانی، ضمانی است، شامل می شود (مانند عاریه طلا و نقره و یا جعل شرط ضمان بر امین). در این موارد، ثمره بحث اعاده ید امانی به امین پشیمان از تقصیر، به الزام وی به پرداخت اجرت المثل به مالک، در ازای تسلط بر مال مورد امانت در ایام استیلائی ضامنانه (ایامی که پس از تقصیر ید امین، ضمانی گردیده است) برمی گردد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ج ۱ و ۲، تهران، مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۲. صدوق، محمد بن علی (با تحقیق: علی اکبر غفاری)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳. قافی، حسین و شریعتی، سعید، اصول فقه کاربردی، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۴. لطفی، اسدالله، «قاعده استیمان در سقوط ضمان»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، شماره ۴۴، ۱۳۷۸.
۵. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰ هـ.ق.
۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، سؤال و جواب، در یک جلد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶.

ب) منابع عربی

۱. آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۱ و ۲، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۲. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالمی اللثالی العزیزة، ج ۱، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ج ۷ و ۴، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۴. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، در یک جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵. ابن ادریس حلی، ابی جعفر بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر

- الفتاوی، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
۶. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، ج ۱، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار العلم، چاپ اول، بی تا.
۷. بحرانی، آل عصفور، الأنوار اللوامع في شرح مفاتيح الشرائع، ج ۳، قم، مجمع البحوث العلمیه، چاپ اول، بی تا.
۸. حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۲، قم، دفتر آیت الله سیستانی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷هـ.ق.
۹. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، القواعد الفقهية، یک جلد، مؤسسه امام رضا علیه السلام، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
۱۰. حسینی شیرازی، سید صادق، التعليقات على شرائع الإسلام، ج ۱، قم، انتشارات استقلال، چاپ ششم، ۱۴۲۵هـ.ق.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.ق.
۱۲. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۶، ۱۷ و ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ.ق.
۱۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الخلاف، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.ق.
۱۴. _____، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۲ و ۴، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷هـ.ق.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۴ و ۵، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳هـ.ق.

۱۶. _____، حاشية الإرشاد، ج ۲ و ۴، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۷. _____، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۴، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۱۸. صدر، سید محمد باقر، القواعد الفقهية، ج ۲، قم، دفتر جناب مقرر، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، تکملة العروة الوثقى، ج ۱، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۲۰. _____، العروة الوثقى، ج ۲ و ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ. ق.
۲۱. _____، حاشية المكاسب، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۲۲. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، ج ۱ و ۱۰، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ. ق.
۲۳. طباطبایی حائری، سید محمد مجاهد، کتاب المناهل، در یک جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، بی تا.
۲۴. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقى، ج ۱۰، قم، مؤسسة دار التفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۲۵. علامه حلّی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۲۶. _____، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، ج ۳، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.
۲۷. _____، تذكرة الفقهاء، ج ۲ و ۱۶، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.

- السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۲۸. فخرالمحققین، محمد بن الحسن بن یوسف، إیضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۲۹. قاضی ابن برّاج، عبدالعزیز، جواهر الفقه - الرسالة الجعفریة، در یک جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۳۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الفروع من الکافی، ج ۵، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۳۱. گیلانی فومنی (بهجت)، محمد تقی، وسیلة النجاة، یک جلد، قم، انتشارات شفق، چاپ دوم، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۳۲. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن الحسن، المختصر النافع في فقه الإمامیة، ج ۱، قم، مؤسسة المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۱۴۱۸ هـ. ق.
۳۳. _____، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳۴. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴ و ۱۷، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳۵. مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیة، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۳۶. مغربی تمیمی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۲، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۳۷. مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۴، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ دوم، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۳۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

- علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳۹. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات في اجوبة
السؤالات، ج ۲ و ۳، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴۰. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ج ۲، تهران،
مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۴۱. محقق ثانی، علی بن الحسین (کرمی)، جامع المقاصد في شرح القواعد، ج ۵،
۶، ۷ و ۹، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۴۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحين، ج ۱، قم، نشر مدینه
العلم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۴۳. _____، مصباح الفقاهة في المعاملات، ج ۳، قم، مؤسسه انصاریان،
اول، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۴۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۲۷،
بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۴۵. نجفی (کاشف الغطاء)، محمد حسین بن علی، تحرير المجلة، ج ۲ و ۳،
نجف، المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۵۹ هـ.ق.
۴۶. نجفی (کاشف الغطاء)، احمد بن علی، سفينة النجاة و مشكاة الهدى و مصباح
السعادات، ج ۴، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۴۷. نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر، انوار الفقاهة - کتاب الودیعة، در
یک جلد، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۴۸. نراقی، مولی احمد، عوائد الأيام في بیان قواعد الاحکام، در یک جلد، قم،
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۴۹. هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین، كنز العمال في سنن الاقوال و
الافعال، تصحيح: صفوة السقاء، ج ۵، بیروت، مكتبة التراث الاسلامي،
چاپ اول، ۱۳۸۹ هـ.ق.